شهرآرا
روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۵شنبه
۲۳ آبان ۱۳۹۸
۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۱
شماره ۲۹۶۸
۱۰
تالار فرهنگ

گاهنما

ناخدای کشتی المیزان

یادی از علامه طباطبایی در سالروز درگذشتش

یوسف بینا - این سخن را بسیار شنیده ایم که می‌گویند روزگار ما از زادن مردان بزرگ عقیم شده است و دیگر دوران حیات بزرگانی از نوع فیلسوفان و حکیمان و شاعران تاریخ‌ساز و فرهنگ‌پرور سر آمده است. این سخن اگرچه در بسیاری از جنبه‌ها و جوانب درست می‌نماید و برآمده از نوعی تحلیل تاریخی و جامعه‌شناختی است، گاه با توجه به وجود برخی بزرگان متأخر و معاصر به کلی نقض می‌شود. یکی از بزرگانی که خود به تنهایی می‌تواند ناقض این سخن باشد، علامه طباطبایی است.

سیدمحمدحسین طباطبایی که سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در تبریز چشم به جهان گشود و در بیست‌وچهارم آبان ۱۳۶۰ در قم دار فانی را وداع گفت و به «علامه طباطبایی» مشهور است، یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان و حکیمان و روحانیان و ادیبان تاریخ ایران به‌شمار می‌آید که ژرفا و گستره برکات علمی و معنوی او با کمتر کسی از هم‌قطارانش قابل قیاس است.

علامه علوم مقدماتی را در زادگاهش تبریز آموخت و سپس برای تکمیل تحصیلات خود به حوزه علمیه نجف رفت و سال‌ها در آن حوزه به تحصیل و تحقیق پرداخت. او بعدها به تبریز بازگشت و دهه‌های پایانی عمر خویش را نیز در قم سپری کرد و در حوزه علمیه این شهر به تدریس و تحقیق و تألیف دانش و اندیشه پرداخت.

آثار مهمی همچون «تفسیر المیزان»، «نهایه‌الحکمه»، «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، «شیعه در اسلام» و ده‌ها رساله دیگر در فلسفه و حکمت و الهیات از او به یادگار مانده است که هریک از آن‌ها در ردیف مهم‌ترین و معتبرترین منابع آموزش و پژوهش و حتی اندیشیدن در رشته‌های ذکرشده است.

علامه طباطبایی درباره دوران تحصیل خویش و علاقه‌اش به کسب دانش نوشته است: «در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم، علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این رو هرچه می‌خواندم نمی‌فهمیدم و چهار سال به همین نحو گذراندم. پس از آن یک‌باره عنایت خدایی دامن‌گیرم شده، عوض کرد و در خود یک نوع شیفتگی و بی‌تابی نسبت به تحصیل کمال حس نمودم؛ به‌طوری که از همان روز تا پایان ایام تحصیل که تقریبا ۱۷ سال طول کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر درک خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش نموده و تلخ و شیرین حوادث برابر می‌پنداشتم. بساط معاشرت غیر اهل علم را به کلی برچیدم. در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می‌پرداختم. بسیار می‌شد به‌ویژه در بهار و تابستان که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می‌گذراندم و همیشه درس فردا را شب پیش مطالعه می‌کردم و اگر اشکالی پیش می‌آمد با هر خودکشی بود حل می‌نمودم و وقتی که به درس حضور می‌یافتم از آنچه استاد می‌گفت قبلا روشن بودم و هرگز اشکال و اشتباه درس را پیش استاد نبردم...»

از میان آثار علامه، دو اثر بیش از دیگر آثار شناخته‌شده است؛ «تفسیر المیزان» در ۴۰ مجلد و کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم». علامه «تفسیر المیزان» را در طول ۲۰ سال به‌زبان عربی تألیف کرد و در این تفسیر از روش قرآن با استفاده از خود قرآن استفاده کرد. بخشی از این تفسیر به تفسیر معنوی و لغوی آیات قرآن اختصاص دارد و بخش‌هایی نیز مربوط به تفسیر روایی و تاریخی و کلامی و فلسفی و اجتماعی آیات قرآن است. این اثر را بعدها سیدمحمدباقر موسوی همدانی به‌زبان فارسی ترجمه و منتشر کرد. کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» نیز دربردارنده ۱۴ مقاله فلسفی با رویکرد فلسفه تطبیقی در بررسی حکمت اسلامی و فلسفه قدیم و جدید غرب است.

اما یکی از حوادث مهم زندگی علامه طباطبایی که می‌تواند مقام علمی و معنوی او را برای ما روشن‌تر کند، ماجرای ملاقات هانری کربن با علامه است. فیلسوف نامدار فرانسوی که در ادامه جست‌وجوهای خود در عرصه حکمت و فلسفه به ایران آمده بود، به اشاره برخی استادان دانشگاه تهران به محضر علامه طباطبایی راه یافت و شیفته علامه شد و سال‌هایی را که در ایران بود به شاگردی در محضر علامه اختصاص داد. او که گم‌شده خود را پس از سیر آفاق جهان در وجود علامه یافته بود، در سخن مشهوری درباره علامه گفته است که در حیرتم زمین چگونه می‌تواند بار علمی و عقلی به این سنگینی را تحمل کند. در حلقه‌ای که کربن در آن حضور داشت و علامه سرحلقه‌اش بود، بزرگانی از جمله دکتر سیدحسین نصر و استاد مجتبی مینوی و دیگرانی از این دست نیز حضور داشتند و به تفسیر و تأویل مباحث حکمی و فلسفی می‌پرداختند.

علامه طباطبایی علاوه‌بر همه این‌ها شاعر بزرگی نیز بود و اشعار بسیار زیبایی از او به یادگار مانده است؛ از جمله چکامه ماندگاری که در آن توجه به استفاده درست و زیبا و بجا از واژگان فارسی درخور تأمل است.

کیش مهر

همی گویم و گفته‌ام بارها
بود کیش من مهر دلدارها
پرستش به مستی است در کیش مهر
برونند زین جرگه هشیارها
به شادی و آسایش و خواب و خور
ندارند کاری دل‌افکارها
کشیدند در کوی دلدادگان
میان دل و کام دیوارها
چه فرهادها مرده در کوه‌ها
چه حلاج‌ها رفته بر دارها
چه دارد جهان جز دل و مهر یار
مگر توده‌هایی ز پندارها
ولی رادمردان و وارستگان
نبازند هرگز به مردارها
مهین مهرورزان که آزاده‌اند
بریزند از دام جان تارها
به خون خود آغشته و رفته‌اند
چه گل‌های رنگین به جوبارها

بهاران که شاباش ریزد سپهر
به دامان گلشن ز رگبارها
کشد رخت سبزه به هامون و دشت
زند بارگه گل به گلزارها
نگارش دهد گلبن جویبار
در آیینه آب رخسارها
رود شاخ گل در بر نیلفر
برقصد به صد ناز گلنارها
درد پرده غنچه را باد بام
هزار آورد نغز گفتارها
به یاد خم ابروی گل‌رخان
بکش جام در بزم می‌خوارها
گره را ز راز جهان باز کن
که آسان کند باده دشوارها
جز افسون و افسانه نبود جهان
که بستند چشم خشیارها
فریب جهان را مخور زینهار
که در پای این گل بود خارها
پیاپی بکش جام و سرگرم باش
بهل گر بگیرند بیکارها

یادداشت

وحدت، عمق راهبردی اسلام انقلابی

غلامرضا بنی اسدی
روزنامه نگار

وقتی همه با یک اذان به سوی یک خدا و به وسیله یک پیامبر دعوت می‌شویم، یعنی راهمان یکی است. کتاب واحدی هم داریم که برای همیشه نقشه راه زندگی است. اولیای الهی هم ما را بر همین هندسه به حرکت فرامی‌خوانند و این یعنی هم هدفمان یکی است و هم سرنوشت، خط‌های حیاتمان را به یک قلم نوشته است. تقدیری چنین البته اقتضایی به نام وحدت دارد.

وحدت نه به معنای یکی‌شدن، بلکه به معنای داشتن هدف واحد که تعالی اسلام است و زیستن ذیل پرچم کلمه «ا... هی العلیا»، همه ما را به «خدمت زیر پرچم» فرامی‌خواند. ما نیز باید این تکلیف را به درستی درک کنیم؛ آن وقت خواهیم توانست در عین تکثر به وحدت برسیم. خواهیم توانست با حفظ رسم‌الخط فکری خود، کلمات یک کتاب شویم و در دنیای بی حسابی که حاصل جمع زورها و زرها و تزویرهاست، راهی درست بر اساس کتاب پیدا کنیم و از دل بیداد و تباهی، صراط مستقیم رستگاری را روشن‌تر از همیشه در پیش گیریم. این همراهی در نقشه راه «واعتصموا بحبل ا... جمیعا و لاتفرقوا» است که عمق راهبردی مکتب نبوت و ولایت را فراتر از مرزهای جغرافیایی، تا جان‌های پاک و تابناک می‌برد که می‌توانند جهان را روشنی بخشند. تأکید اسلام بر این هم‌گرایی نیز بر این اساس می‌تواند باشد که با هم‌افزایی توان‌هامان زودتر می‌توانیم به مقصد برسیم؛ همان مقصدی که نبی خدا نشان داد و اهل بیت و اولیای خدا نیز ما را به همان کعبه مقصود می‌خوانند؛ کعبه‌ای که همه مسلمانان از همه مذاهب گرد آن طواف می‌کنند. البته برای وحدت، معنایی ملی هم می‌توان تعریف کرد و درس گرفته از آیه شریفه «واعتصموا بحبل ا...» آحاد جامعه اسلامی را هم به وحدتی چنین پای استقلال کشور و ارزش‌های انقلاب فراخواند. یعنی افراد را از هر حزب و جناح و جریاناتی که در بستر انقلاب شکل یافته و بر همان باورند دعوت کرد که همه ظرفیت خود را پای کار پیشرفت کشور بیاورند و در رفع موانع و حل مشکلات، بازو به بازوی هم دهند. اختلاف سلیقه و دیدگاه را هم چنان تعریف کنند که ذیل عنوان «اختلاف امتی رحمة» تفسیر شود و آمدوشدهایشان برای توسعه رحمت باشد، نه اینکه خدای نکرده اختلاف را میدان نقمت و قربانی کردن اصول پای فروع کنند. توجه داریم که دشمن به هر کلمه و اشاره تیغ می‌سازد تا در جانمان فرو کند. تسهیل کار او با دمیدن در کوره اختلاف نه تنها دیوانگی است، که اصولا رفتاری ضدانقلابی و در ستیز با آموزه‌های دینی نیز هست. باید با حرمت نهادن به دیدگاه‌های یکدیگر، حریم ایران و انقلاب و نظام را برج و بارو باشیم که تیرهای دشمن را به جان کشیم تا ایران بماند و انقلاب بماند و تعالی، روزی همه مردمان کشور شهیدان شود. این نیز درسی است که در سیره حضرت محمد(ص) و صادق آل محمد(ع) به روشنی می‌توان فراگرفت.

یادداشت

خطر منفی اندیشی از نگاه امام جعفر صادق(ع)

حجت الاسلام
محمدرضا جواهری
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی

انسان باید مثبت‌اندیش باشد و گرفتار منفی‌اندیشی نگردد. اهل بیت(ع) همواره در طریق رهایی، نجات، آزادی و هدایت انسان‌ها گام برمی‌داشتند. آنان پیش‌گامان خدمت و مشکل‌گشایی و بازکردن گره‌های بزرگ و کوچک بشریت بوده‌اند. آنان چاه‌های پیش‌روی بشریت و چالش‌های جاری و آینده جهان را نشان داده‌اند و انسان‌ها را از سقوط در چاه‌ها بازداشته‌اند. امام جعفرصادق(ع) به جهانیان چنین هشدار داده‌اند: «من حفر لأخیه بئراً سقط فیها» (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۰۲)؛ هرکس برای برادرش چاهی بکند، در آن سقوط خواهد کرد. امام ششم(ع) در این گفتار از راه تبیین اثر چاه کندن برای دیگران، همگان را از بدبینی، کینه‌ورزی، منفی‌اندیشی، عقده‌گشایی و لجبازی در روابط عمومی بازداشته‌اند. هرکس برای دیگران چاهی بکند و در صدد ضرر، خطر، انحراف، آلودگی و شکست دیگران باشد، خودش گرفتار می‌گردد. هرکس در راه حق دیگران کارشکنی کند، در راهش کارشکنی خواهد شد. اثر مانع‌تراشی در حرکت متعالی برادر مسلمان پیدایش مانع در حرکت خود وی خواهد بود. تلاش در راه ضربه‌زدن به همکاران، عامل گرفتاری خود انسان به ضربه‌های دیگران است. هرکس در راه شکستن و ذلیل کردن برادر مسلمانش تلاش کند، خودش شکسته خواهد شد. امام صادق(ع) در این حدیث عبارت «لأخیه» را آورده‌اند. این واژه قبح و خطر اقدامات و حرکت‌های خلاف مروت و انصاف و وجدان و اندیشه‌های ناجوانمردانه برای تخریب برادر مسلمان در جامعه اسلامی را یادآوری می‌نماید. در این حدیث چاه کندن در سر راه رشد و تکامل فردی برادران مسلمان خویش در لایه‌های گوناگون اقشار و اصناف در جامعه اسلامی نکوهش شده است. برادران مسلمان در جامعه اسلامی باید چاه‌های سر راه دیگران را پر کنند و موانع پیشرفت، ترقی، موفقیت و پیروزی را از بین ببرند. مؤمنان باید راه سرافرازی، عزت و سربلندی برادران مسلمان خویش را بگشایند و چالش‌ها را رفع کنند. گره ایجاد کردن و مشکل‌زایی در راه توفیق برادر مسلمان، خیانت به او است و انحطاط و سقوط فکری خائن را آشکار می‌سازد. چاه کندن در راه برادر مسلمان باعث سقوط چاه‌کن در چاه خواهد شد. هر مسلمانی باید به عاقبت چاه کندن در راه برادر مسلمانش بیندیشد و از این کار زشت دوری کند.

می‌خواستم به استقبال عاشقان کتاب بروم

دقایقی در کتاب‌فروشی سیار مردی که رؤیای کودکی‌اش را عملی کرده است

فراسو

در روزگاری به سر می‌بریم که هر محصولی را وقتی روی مبل لم داده‌ایم می‌توانیم با گوشی همراه سفارش بدهیم و با زیر شلواری دم در خانه تحویل بگیریم. فروشگاه‌های سیار، بازمانده‌های سمجی از گذشته هستند که هدفشان فقط به فروختن محدود نمی‌شود و رؤیاهایشان را با کارشان درآمیخته‌اند. یکی از صاحبان این فروشگاه‌ها ژان ژاکوس مگل ناب چهل‌وهفت‌ساله است که در ماه آوریل ۲۰۱۵ شغلش را به عنوان مدیر هنری رها می‌کند و به شغلی روی می‌آورد که خودش می‌گوید آرزوی دوران کودکی‌اش است. ایبنا درباره او و گزارشی به نقل از فورتیون منتشر کرده است. ژاکوس کتاب‌فروشی سیاری افتتاح کرده و نامش را «ادبیات واقعی» گذاشته است. کار هرروزه او سفر در میان روستاهای کشور فرانسه است. می‌گوید در کتاب‌فروشی کوچکش حدود ۳۰۰۰ جلد کتاب دارد که بیشتر آن‌ها در حوزه ادبیات کودک هستند. انگیزه ژاکوس برای راه‌اندازی این کتاب‌فروشی سیار این بوده که نمی‌خواسته است منتظر مشتری‌ها و علاقه‌مندان کتاب بماند و خودش به استقبال آن‌ها رفته است. در شغل قبلی‌اش هر روز منتظر مشتری‌ها برای معرفی آثار هنری می‌مانده است ولی در این شغل

دوست دارد به استقبال عاشقان کتاب برود و اضافه می‌کند: اینجا در کتاب‌فروشی سیاری که هرروز از یک روستا به روستای دیگر می‌رود، میزبان کودکان بسیاری هستم که برای خواندن کتاب دقایقی اینجا می‌مانند و خیلی وقت‌ها راضی از اینجا بیرون می‌روند. همین مسئله مرا خوشحال کرده است. همیشه دوست داشتم بتوانم در زندگی کودکان را خوشحال کنم.

این کتاب‌فروش سیار فرانسوی برای راه‌اندازی شغلش یک خانه متحرک خریده و داخل آن را مثل کتاب‌فروشی طراحی کرده است. حالا او روزها در این خانه متحرک کتاب می‌فروشد و شب‌ها نیز در آن استراحت می‌کند. ژاکوس طی ۴ سال گذشته در بیش از ۳۰ روستای شرق فرانسه اقامت موقت داشته است.

شهرآرا
روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۵شنبه
۲۳ آبان ۱۳۹۸
۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۱
شماره ۲۹۶۸
۱۱
تالار فرهنگ

تاریخی که تکرار می‌شود

چندخطی درباره کتاب «درکشاکش دین و دولت» که بخش مهمی از آن درباره دوران سی ساله پس از رحلت پیامبر(ص) است

نهال نوروزی- «درکشاکش دین و دولت» کتاب مهمی است اما نه از این منظر که چیز تازه‌ای بیفزاید بر داشته‌های آن‌هایی که به موضوع کتاب علاقه‌مند بوده‌اند و قبلا آن را خوانده‌اند؛ مهم است چون آن را شخصیتی مثل محمدعلی موحد نوشته است. کتاب که نشر ماهی آن را در ظاهری شکیل روانه بازار کرده است، به ادعایی که در پشت جلدش (که بریده‌ای از مقدمه کتاب است) آمده، وفادار است: «حاصل طرح پژوهشی علمی-انتقادی است درباب دین و دولت و رابطه آن‌ها در ایران بعد از اسلام (جستاری بسیار حساس که ایران هنوز در تقلاست تا از پیچ و خم آن راهی بجوید.) این مجموعه با گزارشی فشرده از دوران سی‌ساله پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) آغاز می‌شود و می‌کوشد با دقت در مضمون روایت‌های مورخان، تصویری قابل اعتماد از آن دوران به دست دهد...بازخوانی این مطالب مجالی است برای بازاندیشی در مسائلی که پس از هزاروچهارصدسال همچنان عالم اسلام را به خود مشغول داشته است؛ ازجمله ماجرای گروه‌های سلفی-تکفیری که روایت جدید همان خیزش خارجی‌گری در صدر اسلام است.»

*

بدون شک بحث فنی نه در توان این قلم است و نه در حوصله این چند خط، اما چنان که ذکر شد، به هرحال این کتاب نام محمدعلی موحد را بر خود دارد که می‌تواند همانند نام‌هایی چون ابراهیم گلستان، محمدرضا شفیعی کدکنی و... توجه اهالی فن را به بحثی که طرح کرده است، جلب کند و بحث به عرصه روزنامه‌ها کشیده شود، جریان‌سازی صورت بگیرد و در میان این جریان‌سازی‌ها حرفی و سخنی رد و بدل شود و تنور فرهنگی این سرزمین گرم شود.

دیگر نکته درخور توجه «درکشاکش دین و دولت» جزءجزءبودن آن است. معمولا در هر یک‌ونیم صفحه ما با تیتری روبه‌رو می‌شویم که اگرچه در ادامه بحث کلی است، می‌تواند جداجدا هم خوانده شود و این جزءجزء‌شدن هم از نظر بصری و هم از نظر محتوایی، فرصتِ فهم به مخاطب می‌دهد. این نوع تقسیم‌بندی یا به‌نوعی ساده‌سازی خواندن، باعث شده تا مخاطب از این حجم اطلاعات خسته نشود. در این کتاب اگرچه بحث‌ها جدی هستند، قابل فهم نوشته شده‌اند که مخاطبِ عام علاقه‌مند هم بتواند با خواندن آن طرفی بربندد. کتاب در ۶فصل تنظیم شده است: «سی سال پس از پیغمبر»، «چگونه اسلام در ایران راه یافت؟»، «برآمدن دیوان و دیوان سالاران»، «ایرانیان در میان تازیان»، «تازیان در ایران»، «قصه شگفت خارجی‌گری و پدیده قرّا».

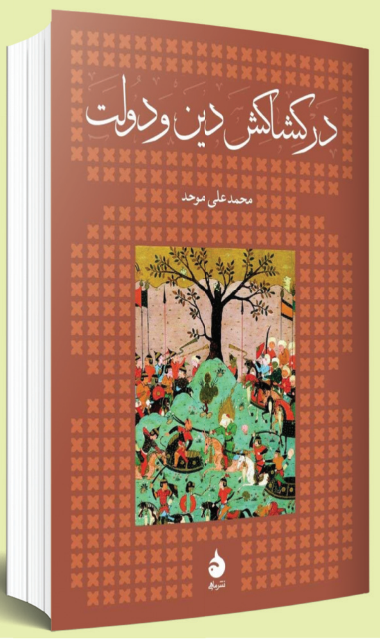

*

«درکشاکش دین و دولت» نام سنگینی دارد اما خواندنی است و این خواندنی‌بودن که دلایل بسیاری دارد و به چند دلیل آن اشاره شد، می‌تواند به خوانده‌شدن آن بسیار کمک کند و راهی باشد برای اینکه اهالی کتاب که بیشتر در تسخیر ترجمه و آثار غربی هستند، رهیافتی هم از مسائل دینی و سیاسی با خواندن این کتاب بگیرند؛ کتابی که به ابراهیم گلستان تقدیم شده است: «به پاس شصت‌وهشت سال دوستی با ابراهیم گلستان، شمشیر آهیخته در جدال با فرومایگی و ابتذال.»

نام آوران

کوتاه درباره محمدعلی موحد که جدیدترین اثرش «درکشاکش دین و دولت» به تازگی منتشر شده است

سایه بلندِ آقای نفت و عرفان

حسام‌الدین نجفی | حقوق بین‌الملل، نفت، ادبیات، عرفان، مولوی‌شناسی، شمس‌شناسی، شاعری، زبان‌شناسی و ترجمه؛ در همه این حوزه‌ها متبحر و جریان‌ساز و حاذق است. همچنان می‌نویسد، فیش‌برداری می‌کند، تاریخ را نه آن‌چنان که می‌فهمیم می‌فهمد و می‌نویسد بلکه پنجره تازه‌ای باز می‌کند تا تاریخ را جز عین زندگی جور دیگری نبینیم. صحبت‌های پیرمرد چرا حتی برای جوان ترها این قدر جذابیت دارد؟ چرا هرکجا بزرگداشتی باشد و جشن امضایی، جمع همه جمع می‌شود؟ ابراهیم گلستان رمزش را یافته که در وصف موحد گفته بود: «به ضرب بردباری و صبر و سکوت کار خود را بی کوچک‌ترین نقار یا حسد جلو برد.»*

برای ترجمه سفرنامه «ابن بطوطه» ستایش ادیبی سخت‌گیر همچون مجتبی مینوی را در کارنامه‌اش دارد. حتی می‌توان گفت موحد آرزوی مینوی را درباره مثنوی مولانا برآورده کرد. نقل فتحا... مجتبایی است که در مراسمی گفته: «تا سال‌های سال تصحیح نیکلسون مرجع همه پژوهشگران مولانا بود. حتی مرحوم فروزانفر نیز به این نسخه رجوع می‌کرد. مینوی پیشنهاد داد که تصحیح جدیدی از «مثنوی معنوی» صورت بگیرد که با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد. اما بعد این کار را شروع کرد که ناتمام ماند. محمدعلی موحد این کار را تمام کرد و بهتر است بگوییم موحد آرزوی مینوی را برآورده کرد.»

برای اولین بار ۶ماه بعد از کودتای ۲۸مرداد فؤاد روحانی را در آبادان ملاقات می‌کند. روحانی تقریبا همه کاره نفتِ ایران در دوره محمدرضا شاه پهلوی بود و حتی به مدت ۳ سال اولین رئیس اوپک. وضع مزاجی خیلی‌ها در آن دوران به‌هم‌ریخته بود. ایده‌آلیست‌های وطنی به پستوی خود رفته بودند، نظام همه‌چیز فرو ریخته بود، بی‌خوابی به سر خیلی‌ها زده بود و داروی خواب هم برای ساعتی فراموشی و استراحت افاقه نمی‌کرد. بوی نفت و گرما و عفونت و کثیفی خیلی‌ها را بیدار نگه داشته بود. سال‌ها بعد او کتابی نوشت با عنوان «خواب آشفته نفت». در جنوب ایران و به خصوص در آبادان و خرمشهر نیز آشفتگی‌های نفت در آن سال‌ها خواب خیلی‌ها را برهم ریخته بود. پیش از این، ایرانی‌ها آمده بودند و از فرنگی‌ها خلع‌ید کرده بودند، داستان مصدق فراموش نشده بود و اینکه چگونه نفت ایران را بایکوت کردند و دولتی را که یکه و تنها در مقام معارضه با کارتل‌های نفتی برآمده بود به زانو درآوردند. اما حالا و بعد از کودتا همه می‌دانستند که آن‌ها دوباره برمی‌گردند. ولی موحد بعد از اینکه برای مدتی سردبیری روزنامه شرکت نفت را به عهده گرفته بود به تهران می‌رود. خوابش درست می‌شود و مزاجش سر جایش می‌آید. سرفه‌هایش از بین می‌رود. سرحال می‌آید تا اینکه با مردِ نفت ایران، فؤاد روحانی، آشنا می‌شود. «آن مردِ فرهیخته کنجکاوِ پرسنده در سکوت» -به قول ابراهیم گلستان- بعد از مدتی روی چند تن از دستیارهای برجسته خود چشم می‌بندد و موحد را به دستیاری خود برمی‌گزیند.

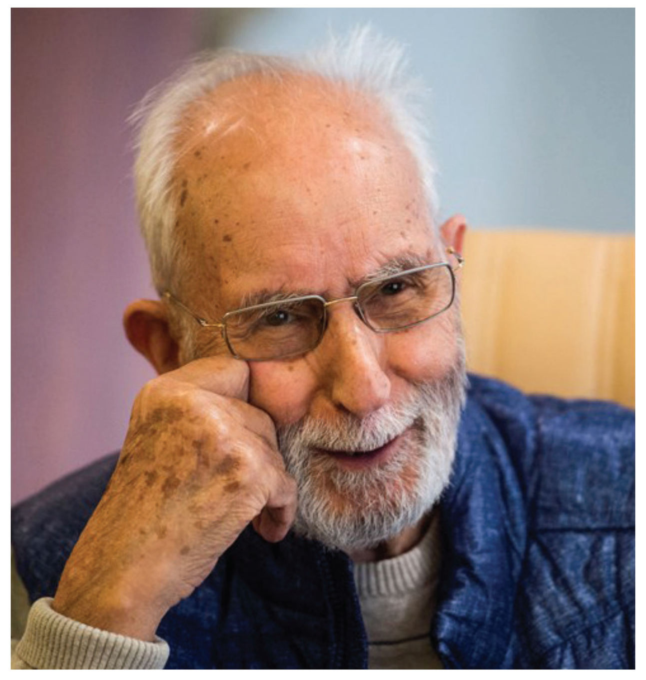

موحد ۶ماه معاون اجرایی سازمان اوپک بود و بعد از انقلاب عضو هیئت‌مدیره و مدیر امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران. اسم نفت و شرکت نفت و کنسرسیوم که می‌آید، به‌غیر از او و منوچهر انور، نام یک نفر دیگر هم به میان می‌آید: ابراهیم گلستان. موحد عاشق آذربایجان و روشن‌فکران آذربایجانی و ابراهیم گلستان است. یک بار سیروس علی‌نژاد، روزنامه‌نگار مشهور، به موحد گفته بود: «این آقا که عاشق افکار خودش است و جز خود هیچ‌کس را قبول ندارد و شب‌وروز به لت‌وپار کردن این و آن مشغول است و استالین راوی سرش می‌گذارد، چه جای دفاع دارد؟» موحد گفته بود: «بالأخره ما یک آدم لازم داریم که همه را تارومار کند یانه؟»

*نقل قول از شماره ۳۹ مجله اندیشه پویا برگرفته شده است.

زندگی با سینما

بهای بیشتر به سینمای مستند

گفت‌وگو با دو کارگردان فیلم «درجست‌وجوی فریده» نماینده ایران در اسکار

شکیبا افخمی‌راد اواخر مردادماه بود که هیئت معرفی نماینده سینمای ایران به مراسم اسکار، مستند «در جستجوی فریده» به کارگردانی آزاده موسوی و کوروش عطایی را به عنوان نماینده سینمای ایران برای معرفی به اسکار ۲۰۲۰ انتخاب کرد تا برای نخستین بار در تاریخ سینمای ایران یک فیلم مستند به عنوان نماینده سینمای ایران به بخش فیلم‌های غیرانگلیسی زبان اسکار معرفی شود. علاوه بر این بخش، این مستند، به عنوان یکی از آثار واجد شرایط رقابت در شاخه بهترین مستند جوایز سینمایی اسکار نیز معرفی شده است. «در جستجوی فریده» به زندگی زنی به نام فریده می‌پردازد که ۴۰ سال پیش در حرم امام رضا(ع) رها شده اما به دست زوجی هلندی به فرزندی گرفته شده و به هلند برده می‌شود. در این مستند، اولین سفر فریده به ایران برای دیدار با سه خانواده که مدعی‌اند خانواده واقعی او هستند، به تصویر کشیده می‌شود. این فیلم که پیش‌تر در گروه هنر و تجربه اکران شده بود بعد از انتخاب برای اسکار بار دیگر به صورت محدود در سینماهای کشور به نمایش درآمد. در همین راستا دانشگاه فردوسی مشهد نیز با توجه به انتخاب این فیلم برای اسکار و همچنین روایت عمده داستان فیلم در مشهد روز سه‌شنبه ۲۱ آبان ماه از دو کارگردان «در جستجوی فریده»، دعوت کرده بود تا ضمن تماشای این مستند با دانشجویان به پرسش‌های آن‌ها نیز پاسخ دهند.

فرصتی برای مستند

انتخاب «در جست‌وجوی فریده» برای اسکار با حواشی بسیاری همراه بود و عده زیادی به انتخاب این فیلم مستند برای بخش خارجی اسکار معترض بودند. در همین باره کارگردانان «در جست‌وجوی فریده» در حاشیه نشستشان در دانشگاه فردوسی به شهرآرا توضیحاتی ارائه دادند. به گفته آزاده موسوی، هر سال برای انتخاب فیلم اسکار این حواشی به وجود می‌آید اما امسال به دلیل انتخاب فیلمی مستند این حواشی بیشتر شد. در واقع همیشه وقتی یک اتفاق جدید می‌افتد، نقد و نظرات درباره آن نیز بیشتر می‌شود. عطایی نیز صحبت‌های همکارش را این‌گونه تکمیل کرد: حقیقتا چون سابقه انتخاب فیلم مستند در سینمای ایران برای اسکار وجود نداشت، ما خودمان هم انتظار انتخاب «در جست‌وجوی فریده» را نداشتیم. به نظر عطایی انتخاب «در جست‌وجوی فریده» یک امتیاز ویژه برای مستندسازها و سینمای مستند ایران است و باعث بها دادن بیشتر و جدی‌تر گرفته شدن این نوع از سینما در ایران می‌شود. او همچنین به این نکته اشاره کرد که امسال ۴کشور دیگر برای بخش فیلم‌های خارجی اسکار، مستند معرفی کرده‌اند. به گفته این کارگردان در بخش فیلم‌های خارجی هیچ محدودیتی وجود ندارد و هر سه مورد فیلم بلند داستانی، مستند و انیمیشن به این بخش معرفی می‌شوند.

پایبندی به قصه

در این نشست صحبت‌هایی درباره منفی نشان داده شدن تصویر ایران مطرح شد که عطایی این‌گونه به این نقدها پاسخ داد: «ما در این فیلم قصد نداشتیم ایران را کشوری خوب یا بد نشان دهیم. تمام تلاش ما بر این مبنا بود که وابسته و پایبند به حقیقت باشیم. از سوی دیگر قصه اصلی ما همین سه خانواده بود و ما نمی‌توانستیم از مسیر داستان فیلم خارج شویم تا بگوییم علاوه بر خانواده‌هایی که در فیلم حضور دارند در ایران شکل دیگری از زندگی هم وجود دارد.» به گفته او برخلاف نظر حاضران در جلسه که مدعی منفی نشان دادن ایران در فیلم هستند، عده دیگری براین باورند «در جست‌وجوی فریده» تصویر بیش از اندازه مثبتی از ایران و مهمان‌نوازی مردمانشان نشان داده‌است. آزاده موسوی نیز در تایید همین موضوع توضیح داد: به نظر من فیلم و هنر وظیفه‌اش معرفی مسائل اجتماعی و سیاسی کشور نیست این کار وظیفه رسانه است. فیلم تنها باید پایبند به قصه‌اش باشد.

مشکلات فیلم‌برداری در حرم

در ادامه این نشست موسوی در پاسخ به سؤال شهرآرا مبنی بر چگونگی مراحل فیلم‌برداری در مشهد گفت: مشکل اصلی ما، فیلم‌برداری در حرم امام رضا(ع) بود. ما چندین ماه برای مجوز فیلم‌برداری در حرم تلاش کردیم تا توانستیم مجوز بگیریم. اما وقتی خواستیم در شب برفی در حرم فیلم‌برداری کنیم، به ما گفتند که فقط از طبقه دوم می‌توانیم تصویربرداری انجام دهیم. به گفته او سکانس حرم با توجه به اینکه مکان رها شدن فریده بود و برای اولین‌بار نیز قرار بود فریده در این مکان حاضر شود یکی از سکانس‌های اصلی و مهم فیلم بود. اما با توجه به مشکلات پیش آمده، حس و حال و فضا آن طور که باید شکل نگرفت. موسوی توضیح داد: ما مجبور شدیم با دوربین موبایل از طبقه پایین فیلم‌برداری کنیم و با دوربین حرفه‌ای از طبقه دوم تصویربرداری کنیم. به این ترتیب برنامه‌هایمان برای این سکانس به درستی انجام نشد. در قسمت پایانی این نشست نیز کوروش عطایی درباره سرنوشت فریده توضیح داد: فریده خانواده‌اش را پیدا نکرد و الان هلند است. اما سالی یک یا دو بار به ایران سفر می‌کند. به گفته او، فریده این روزها کمتر از قبل به دنبال خانواده‌اش است چون در سفرش به ایران توانسته جواب خیلی از سؤالاتش را پیدا کند و تا حدودی به آرامش برسد.

دریچه

«عنکبوت» یک گام نزدیک‌تر به فجر

تولید دومین فیلم بلند فیلم‌ساز مشهدی به پایان رسید

سبزه قبا - فیلم‌برداری «عنکبوت»، دومین ساخته بلند سینمایی ابراهیم ایرج‌زاد، فیلم‌ساز جوان مشهدی، به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی، در تهران به پایان رسید و مراحل فنی پس از تولید خود را آغاز کرده است.

این فیلم یک داستان جنایی دارد که در بستری از مسائل اجتماعی، درباره ماجرای سعید حنایی، روایت می‌شود. احتمال دارد «عنکبوت» یکی از بحث برانگیزترین فیلم‌های جشنواره فیلم فجر امسال باشد. چرا که هم موضوعش جنجالی است و هم ایرج‌زاد در نخستین حضورش در جشنواره فجر با «تابستان داغ» توانست توجه داوران، منتقدان و مخاطبان را به خود جلب کند. این فیلم با ۱۳ نامزدی در سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر رکورددار بیشترین نامزدی دریافت جایزه است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، نامزدی برای دریافت سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی بوده است.

فیلم‌نامه «عنکبوت» را اکتای براهنی نوشته است و در آن داستان مردی را آورده که می‌خواسته علیه فساد در مشهد قیام کند.

تصاویری که از گریم محسن تنابنده، بازیگر اصلی «عنکبوت»، چندی است در فضای مجازی منتشر شده قوت کار ایرج‌زاد و توجه او به جزئیات را نشان می‌دهد. ساره بیات، بازیگر مشهدی تئاتر، سینما و تلویزیون، هم نقش همسر شخصیت اصلی فیلم را ایفا کرده است.

ایرج‌زاد که درس سینما را در هنرستان سوره مشهد آموخته است پیش از تولیدات سینمایی‌اش، چندین فیلم کوتاه ساخته و جای‌پای خود را در فیلم‌سازی مستحکم کرده است.

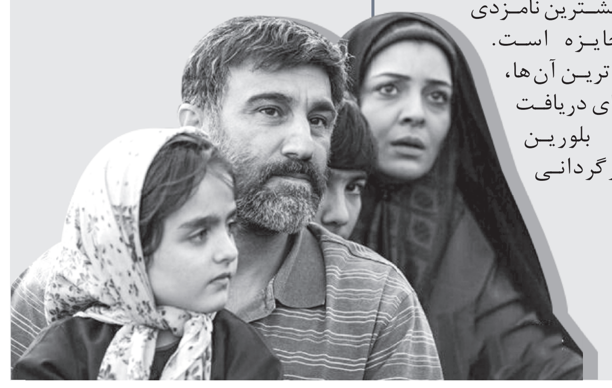

رویداد

بازگشت به «خانه پدری»

فیلم کیانوش عیاری دوباره به پرده سینما آمد

زوزنی-فیلم سینمایی خانه پدری برای دومین بار رفع توقیف و باعث خوشحالی اهالی سینما شد. سید محمد مهدی طباطبایی‌نژاد معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی به خاطر رفع توقیف این فیلم از حجت‌الاسلام رئیسی تشکر کرده و این پیگیری ویژه و همکاری‌های مسئولان قوه قضاییه با سینماگران را سبب انسجام و همدلی جامعه سینمایی کشور دانسته است.

طباطبایی‌نژاد گفته که نامه رفع توقیف «خانه پدری» از سوی دادستانی تهران به دستش رسیده است: «از ابتدای توقیف دوباره «خانه پدری» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رایزنی‌هایی را با رئیس قوه قضائیه انجام داد که با همراهی کارگردان فیلم در روزهای اخیر به نتیجه رسید.»

اکران «خانه پدری» با همان رده‌بندی سنّی پیش از توقیفش، ۱۵+، و محدودیت سالن نمایش (تنها ۸ سالن در تهران) از دیروز آغاز شده است.

پیش از این، اثر کیانوش عیاری، نخستین فیلم در تاریخ سینمای ایران بود که دوبار توقیف شد، حالا عنوان نخستین فیلمی را که دوبار رفع توقیف شده را هم از آن خود کرده است.

«خانه پدری»، که سال ۱۳۸۹ ساخته شد، اولین بار در سال ۱۳۹۳ اکران خود را آغاز کرد که در همان روز اول توقیف و تا پنج سال بعد اکرانش متوقف بود. ۶ آبان امسال در حالی که تنها ۵ روز از خوشحالی اهالی سینما برای رفع توقیف این فیلم می‌گذشت که دوباره با دستور دادستانی توقیف شد. مهدی هاشمی، ناصر هاشمی، شهاب حسینی، مینا ساداتی، مهران رجبی و نازنین فراهانی از جمله بازیگران این فیلم هستند.

صاحب خبر

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد خبر داد

اکران بدون مجوز «اکسونامی» در مشهد

هنری- اکران هم‌زمان «اکسونامی» در ۳ کلان‌شهر تهران، مشهد و اصفهان تنها در مشهد دردسرساز شد. مستند «اکسونامی» دوشنبه ۲۰ آبان در سینماهویزه مشهد به روی پرده رفت و با استقبال بسیاری از مخاطبان روبه‌رو شد؛ اما روز گذشته محمدجواد استادی، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد، ضمن تکذیب ادعای صدور مجوز ضمنی برای اکران این فیلم که از سوی غلامرضا فرجی، مدیر پخش حوزه هنری، مطرح شده بود، گفت: این اداره برای اکران مستند در مشهد هیچ مجوزی صادر نکرده است. به گفته استادی، نامه مکتوبی مبنی بر اینکه این مستند پروانه نمایش ندارد، به مدیر سینماهویزه ارسال شده است و اداره ارشاد مشهد در سال ۹۷، در مکاتبه‌ای به تمامی پردیس‌های سینمایی شهرستان اعلام کرده که اکران هر فیلم نیازمند اخذ مجوزهای قانونی لازم است.

«اکسونامی» به‌صورت مشترک در ایران و آمریکا تولید شده است. موضوع این مستند درباره انقلاب جنسی در آمریکا و هشدار برای وضعیت کنونی ایران است.

کتابخوان

مجسمه سازی از فرهاد کوه کن تا علی اکبر حجار

درباره تازه‌ترین تألیف پرویز تناولی
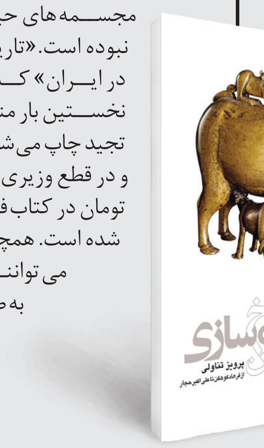
ورشان- کتاب «تاریخ مجسمه سازی در ایران» به قلم پرویز تناولی ماحصل ۱۰سال تحقیق این مجسمه‌ساز و نقاش معاصر ایرانی است، که از سوی «چاپ و نشر نظر» در ۱۸۲ صفحه رنگی منتشر شده است. در توضیحات این کتاب مرجع آمده است: مجسمه سازی در ایران پس از اسلام سرگذشتی شنیدنی دارد و فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. طی این دوران طولانی تنها از یک مجسمه‌ساز به نام «فرهاد» نام برده شده که او هم در هاله‌ای از افسانه فرو رفته است. در اوایل قرن نوزدهم، حجاران اجازه یافتند نام خود را بر کارشان ثبت کنند اما هنوز نیم قرن لازم بود تا کارشان استقلال کافی بیابد و با عنوان مجسمه ساز شناخته شوند. و این مهم به دست «علی اکبر حجار» جامه عمل پوشید. این کتاب، تلاش اصلی خود را بر مجسمه‌ها و پیکره‌های آدمی بنا نهاده و نیز تحولات آن را دنبال کرده؛ اما از مجسمه‌های حیوانات نیز غافل نبوده است. «تاریخ مجسمه سازی در ایران» که سال ۹۲ برای نخستین بار منتشر و همچنان تجدید چاپ می‌شود در ۱۸۰ صفحه و در قطع وزیری با قیمت ۸۰ هزار تومان در کتاب‌فروشی‌ها عرضه شده است. همچنین علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را به‌صورت آنلاین از سایت انتشارات نظر خریداری کنند.